

ادامه از صفحه اول

از آتش سوزی پلاسکو تا کلینیک سینا

مدت‌ها از تصویب این ماده و مواد دیگر مربوط به موضوع مورد نظر می‌گذرد و دامنه وسیع امکاني را که مشمول این ماده می‌شوند، می‌توان عینه دید. پرسش این است در سال‌ها حاکمیت این قانون که تا هم‌اکنون تادوم یافته‌است، آیا موردی نبوده که از نظر شهرداری قابلیت اعمال قانون حسب این ماده را داشته باشد؟ وقتی پلاسکو که نماد مدرنیسم شهرسازی تهران بود در لهیب آتش فرو ریخت و ده‌ها آتش‌شان تا پای جان در راه انجام وظیفه جان باختند و زمانی که شهردار وقت تهران با لباس مخصوص سیاه‌وار از درون کوره مذاب آتش سربرآورد و از هرم بالای آتش سخن گفت، امثال نگارنده امید آن داشتیم که جنب‌وجوشی در شهرداری حداقل برای اجرای همین ماده قانونی شکل گیرد تا کمتر شاهد نامه‌پرانی بی حاصل به‌جای اعمال قانون باشیم. عکس‌های باقی‌مانده از کلینیک سینا مهر که چندین پزشک و متخصص اتاق عمل و بیهوشی گوشه‌وکنار آن افتاده و مظلومانه جان داده بودند، بدون اینکه در آتش سوخته باشند، این پرسش را مطرح می‌کند آیا راه فراری در نظر گرفته نشده بود؟ ساختمانی که به گفته مسئولان شهرداری چندین نوبت اخطار گرفته بود، اگر اخطار ناشی از وظیفه شهرداری پس از – کسب‌ نظر بهداشتی و درمان بشهر تهران، از کجای ماده این اختیار به شهرداری‌ها داده شده که فقط به صدور اخطارهای مکرر بسنده کنند، صراحت ماده این است: «اگر دستور شهرداری در مهلت معین به موقع اجرا گذاشته نشود، شهرداری رأساً با مراقبت مأمورین خود اقدام به رفع خطر یا مزاحمت خواهد نمود و هزینه مصروف را به اضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد.» اگر همین بخش از بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری برای ساختمان پلاسکو و نیز کلینیک سینا مهر اعمال و اجرا می‌شد، هم‌اکنون ساختمان پلاسکو نماد شهرسازی مدرن تهران و نیز کلینیک سینا مهر تهران نماد رونق بهداشت و درمان بشهر تهران بودند و ده‌ها آتش‌نشان و افراد عادی و پزشکان و بیمارانی که در هرم آتش مظلومانه سوختند، امروز زنده بودند و ایران را در ردیف کشورهای پخته در صدر جدول نمی‌نشانند، علاوه بر بند ۱۴ ماده ۵۵، ماده ۸۵ همین قانون نیز به شهرداری‌ها اجازه داده است که بتوانند دچار تخریب یا اصلاح سقف بازارها و لان‌های عمومی و خصوصی و ساختمان‌هایی که محل صحت عمومی تشخیص می‌دهد، اقدام کنند. نمی‌دانم تا چه زمانی باید شاهد وقوع حوادثی از این دست در سطح کلان‌شهرها باشیم؛ خصوصاً تهران که گسترش بی‌رویه‌ای گرفته و جمعیت فعلی ساکن در آن از تعریف طرح جامع شهری فراتر رفته و شهر توان تحمل این میزان از فشار جمعیت را ندارد. وقتی مسئولان اداره شهرها دنبال این باشند که خان‌های پولدار شهر چه می‌خواهند و مقررات شهری را با توجه به منافع آنان تعریف کنند، همین خواهد بود. شهرداری، مسئولان و مأمورانی که اخطار اول را صادر کردند و منتظر ماندند تا برای حفظ ظاهر و اینکه بله ما هم هستیم، اخطار دوم و سوم را صادر کنند، از هر نظر مسئول‌اند؛ چه پرداخت دیه، چه مسئولیت کیفری، نگذارید بازی باخت-باخت شهر به سومین سریل خطراتی خود برسد؛ شهرداری را مکلف به ملزم به اجرا و اعمال قانونی وظایف خود کنید.

تهدید به جای انسجام در دیپلماسی

خب، چرا تندی می‌کنید؟ تصمیم بگیرید! برجام را نمی‌خواهید، شما که چندین سال است بدش را می‌گویید، چرا ردش نمی‌کنید؟ آمریکا بیرون رفت، شما هم بیرون بروید. NPT به است؟ خارج شوید و امتیاز ندار. مگر دولت مصری‌ها باشد و شما قفسر و وام را بانک مرکزی و تورم هم که هست و مسئولیتش هم که با شما نیست، یک دولت هست و شما هم که مسئولیت ندارید، بگویید مسئول تویی، دیگر تندی چرا، به قول همشهری ما «مثل دوتا آدم عاقل، تو اون‌ور جوی من این‌ور جوی، فحش بده، فحش بسون. دیگه چرا بییل آورده‌ای و دعوا می‌کنی؟».

شرق: شاخص بورس که ماه‌هاست سبز و خروشان است، در هفته جاری شتاب بیشتری گرفته و با افزایش ۶۳هزار واحدی در معاملات روز گذشته در ارتفاع یک‌میلیون و ۷۰۰هزار واحدی رکورد دیگری از خود ثبت کرد. وضعیت سبز بورس در روزهایی که همه شاخص‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی از مسکن گرفته تا تولید و معیشت در وضعیت قرمز به‌سر می‌برد، بیشتر از اینکه در اقتصاد ایران کنتراستی ایجاد کند، همه را به تعجب وا داشته است؛ تاجایی که حتی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، هم در سخنرانی خود از واژه هیجان کاذب در توصیف بورس استفاده کرده و البته به مردم اعمال احتیاط را توصیه کرده است؛ اما بورس چه نسبتی با رشد اقتصادی دارد؟ زمانی که رشد همه بخش‌های منفی است، جهش بازار سرمایه تورم است یا رشد اقتصاد؟ همایون دارابی، کارشناس اقتصادی، معتقد است ستون فقرات اقتصاد ما همچنان سالم است و از این‌رو توان افزایش شاخص بورس را دارد، اما حسین خزلی، کارشناس بازار سرمایه، می‌گوید در هیچ کجای دنیا در یک اقتصاد تورمی وضعیت بورس مطابق با وضعیت رشد اقتصادی پیش نمی‌رود. او معتقد است جهش این روزهای بورس یک تورم بزرگ است؛ مانند تورم دیگر دارایی‌ها و قیمت‌های این روزهای کشور. خزلی به دست‌های بزرگ در بازار بورس اشاره می‌کند و معتقد است گرچه این روزها ورود عموم مردم به بورس زیاد شده، اما دانه‌درشت‌های بورسی کسان دیگری هستند که حتی حاضر به عرضه سهام خود نیستند و فقط سهام کف بازار را برای بزرگ‌شدن خودشان جمع می‌کنند. او توضیح می‌دهد: بزرگ‌ترین دارایی‌های بورس بعد از دولت دست بنیادها و بانک‌های خصوصی است. بیش از ۷۰ درصد سهام بازار بورس دست این طیف است. در این چند سال اینها عرضه چندانی نداشتند. بورس ما باید بزرگ شود؛ اما از محل تعداد شرکت‌ها و سهام موجود، نه از محل افزایش سریع ارزش‌ها.

امتیاز مالیاتی دولت به بنگاه‌ها شاخص را سبزتر کرد

همایون دارابی، کارشناس بورس، در تحلیل وضعیت این روزهای بورس یک عامل را مهم‌تر از دیگر عوامل بر افزایش شاخص مؤثر می‌داند. او توضیح می‌دهد: ما همچنان ورود نقدینگی به بازار را داریم. در روزهایی که اقتصاد ایران متورم است، از آنجاکه بورس خود را به‌عنوان سیر تومی ثابت کرده، باعث شده همچنان ورود نقدینگی به بازار ادامه پیدا کند؛ اما عامل مهم که در این هفته باعث افزایش شاخص بورس شد، امتیازی بود که دولت به شرکت‌ها داد. طبق تصمیم و اقدام دولت بنگاه‌های بزرگ از تخفیف مالیاتی پنج‌درصدی به‌دلیل شیوع کرونا برخوردار شدند؛ یعنی شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که نیروی کار خود را حفظ کرده و با وجود کرونا به حفظ کارگران خود ادامه دادند، از پرداخت پنج درصد مالیات ۹۷، ۹۸ و ۹۹ معاف‌اند. این خبر خوبی برای بنگاه‌های بزرگ بود و همین باعث بالا رفتن ارزش سهام آنها از شنبه هفته جاری شد. از نظر این کارشناس بورس همه دارایی‌ها در حال افزایش قیمت هستند و به‌دنبال آن هم ارزش سهام شرکت‌های بورسی بالا رفته است. کاهش ارزش ریال همواره باعث بالا رفتن ارزش دارایی‌ها می‌شود. دارابی می‌گوید واقعیت این است که بورس هم یک نوع دارایی است و در کنار دیگر دارایی‌های این روزها در اقتصاد کشور دچار تورم شده و ارزش آن بالا رفته است، هرچند بسیاری این سؤال

اقتصاد

«(شرق) رابطه میان جهش بورس و رشد منفی اقتصاد را بررسی می‌کند

نمایش وسوسه‌انگیز بورس به کارگردانی دانه‌درشت‌ها



حسین خزلی، کارشناس بورس

برای‌شان به وجود آمده که چرا درحالی‌که همه بخش‌های اقتصادی دچار رکود هستند، وضعیت بازار سرمایه صعودی است؛ اما همایون دارابی معتقد است ستون فقرات اقتصاد ایران سالم است و تورم مزمنی که چند دهه است داریم، باعث شده به‌طوردائمی ارزش دارایی‌ها در حال افزایش باشد.

مقاومت دانه‌درشت‌ها برای عرضه سهام

اما این گزاره را حسین خزلی، کارشناس بازار سرمایه، نمی‌پذیرد و معتقد است همیشه بیشترین وزن را در رشد اقتصادی ایران نفت داشته است؛ یعنی از رشد پنج درصد اقتصاد ۷۰ تا ۸۰ درصد آن از فروش نفت حاصل شده است. حالا در سال جاری یا ما نمی‌توانیم نفت بفروشیم یا اگر بفروشیم هم نمی‌توانیم ارز آن را به کشور بازگردانیم؛ بنابراین در فقدان نفت دیگر بخش‌ها در رشد اقتصاد تأثیر خواهند داشت. الان مثلاً رشد کشاورزی ۱۰ درصد است، اما خیلی دیده نمی‌شود؛ چون بخش کوچکی از اقتصاد ما را تشکیل شی‌دهد.

او ادامه می‌دهد: واقعیت این است که هیچ کجای دنیا بین رشد اقتصادی و بورس رابطه‌ای موجود نیست؛ آن‌هم زمانی که در روزهایی که اقتصاد تورم بالایی وجود دارد. وقتی اقتصادی تورم دارد، همان‌طور که مسکن گران می‌شود، ارزش دارایی بورسی‌ها هم بالا می‌رود. مثلاً کشتی‌ری قبالا کشتی خود را با دلار هزارو ۲۰۰ حدود ۲۰۰ میلیون دلار گرفته، اکنون ارزش همین کشتی ۲۲ میلیارد دلار شده است. دومین دلیل این است که اکثر شرکت‌های بورسی محصولات خود را گران‌تر می‌فروشند، از فولاد گرفته تا لبنیات. این باعث شده شرکت‌ها سود حسابداری بیشتری شناسایی کنند و ارزش سهام‌شان بالا برود. درواقع ارزش جابجرتنی و سود حسابداری شرکت‌ها افزایش پیدا کرده است. عامل بعدی فعل نقدینگی است. حجم نقدینگی ما در این سال‌ها با نرخ ۳۰ درصد رشد کرده است. قبلاً حجمی از این نقدینگی وارد بازارهای متعددی مثل تجارت خارجی می‌شده، اما الان کم و محدود شده است. بخشی صرف ساختمان‌سازی می‌شد که الان راکد است. در بازار دلار بیشتر از ۱۰ هزار دلار نمی‌توانی در جیب داشته باشی، محدودیت دارد و سکه هم ۲۰۰ میلیون نمی‌توانید راحت بخرید و در خانه نگه دارید؛ بنابراین تنها

تضعیف برنامه‌بودجه در سال‌های گذشته باعث شکل‌گیری پدیده‌ای جدید شد

روابط غیررسمی در سازمان برنامه

باعث شده بعضاً بین بدنه کارشناسی این سازمان و دستگاه‌های اجرائی روابط غیررسمی برقرار شود و این اتفاق بودجه‌نویسی‌ها را نیز گاه متأثر کرده است.

۴ ارزیابی شما از تعارض منافع در دستگاه‌های اجرائی کشور و سیاست‌گذاری کلان کشور چیست؟

این یک معضل دیرینه است که در نظام اداری وجود دارد. افرادی که در جایگاه حاکمیتی و سیاست‌گذاری قرار دارند به‌عنوانی به بخش‌های تصدی‌گری و عملیاتی دولت هم مرتبط هستند یا حتی ممکن است در بخش‌های عمومی غیردولتی یا بخش‌های شبه‌دولتی که از نظر مفاد قانون اساسی یک بخش بی‌هویت است؛ حضور داشته باشند. طبیعی است، سیاست‌گذاری ممکن است منفعتی که در بخش تصدی‌گری یا بخش عمومی و شبه‌دولتی دارند مورد نظر قرار گیرد. نکته دیگر مشکل ساختاری نظام اداری است. برخی افسراد در جاهایی حضور دارند که دو نقش را باید ایفا کنند که ممکن است بین این دو نقش تعارض منافع صورت گیرد. مثلاً رئیس سازمان برنامه یا وزیر که در یک شرکت بزرگ دولتی عضو مجمع و نماینده سهام دولت در آن شرکت است، هم‌زمان وظایف حاکمیتی مانند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی یا سیاست‌گذاری مالی نیز دارند. وزیر اقتصاد و دارابی هم‌زمان در جایگاه بالاترین مقام مالیاتی تصمیم‌گیری می‌کند و درعین‌حال عضو مجمع شرکت دولتی‌ای است باید مالیات و عوارض پردازد نیز هست. این وضعیت تداخل یا هم‌پوشانی بین اهداف و وظایف حاکمیتی با اهداف و وظایف تصدی‌گری ایجاد می‌کند و مشکلات زیادی را در کارکرد اقتصادی کشور و بازارهای مختلف کسب‌وکار به‌وجود می‌آورد.

همچنین سازمان‌هایی وجود دارد که هم‌زمان هم به تدوین مقررات یا شاخص‌های نظارت بر اجرای مقررات می‌پردازد و درعین‌حال این سازمان خودش

در آن حوزه‌ها یک نقش عملیاتی نیز دارد. بنابراین تعارض منافع در کارکرد آن سازمان وجود دارد. این تعارض منافع در عملکرد افرادی که در جایگاه تدوین استاندارد و هم مکلف به اجرای آن استاندارد هستند، به وجود می‌آید.

آیا به‌طور مشخص راهکاری برای حل این معضل یا بهتر است بگوییم مدیریت تعارض منافع‌های مزبور وجود دارد؟

راحتل این مشکل اصلاح ساختار است. باید مقوله تصدی‌گری و مقوله حاکمیتی به‌گونه‌ای از هم تفکیک شود که تضادی در منافع اشخاص حقیقی یا حقوقی هنگام حکمرانی و تصدی‌گری به وجود نیاید. اصلاح ساختار ربطی به شرایط اقتصادی ندارد و می‌توان هم امروز هم برای آن قدم برداشت. برای اینکه استانداردها رعایت شود، سیاست‌ها به‌درستی تدوین شود و برنامه‌های اجرائی که در سایه سیاست‌ها مشخص می‌شود، کارایی داشته باشند و برای اینکه نظارت‌کارا شود و تعهد به پاسخ‌گویی پدید بیاید، لازم است این اصلاحات صورت گیرد.

۴ چرا تا به‌حال این اقدام انجام نشده. آیا ضرورت آن احساس نشده است؟

در ابتدای دهه ۱۳۶۰ که من در سازمان برنامه حضور داشتم، طرحی برای اصلاح ساختار تهیه شد. بسیار هم تلاش کردیم در برنامه دوم توسعه این طرح اساسی اصلاح ساختار را بگنجانیم اما موفق نشدیم. در برنامه سوم توسعه یک مفاد مشابهی با آنچه ما مد نظر داشتیم، گنجانده شد ولی با انتظار ما فاصله داشت. در برنامه بعدی یعنی برنامه چهارم توسعه، بندی مطابق با نظرات و اهداف ما آورده شد؛ این‌گونه که مقرر شد شرکت‌های دولتی به‌طور کامل از بخش حاکمیتی دولت منفک شود و یک هلدینگ بزرگ تشکیل شود تا دولت شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی بزرگ اقتصادی که آن زمان ۸۰ درصد اقتصاد کشور را شامل می‌شدند، زیرمجموعه آن فعالیت کنند. متأسفانه این حجم از اقتصاد کشور امروز دست بخش شبه‌دولتی افتاده است که می‌توانست در قالب هلدینگ مورد نظر ادامه مسیر دهد. درحال‌ان طرح به‌گونه‌ای طراحی شده بود تا بخش بنگاهداری از بخش حکمرانی جدا شود و وزرا منافع شرکت‌ها را به‌عنوان مدیران عالی و ارکان صلاحیت‌دار آنها پیگیری نکنند. برای مثال وزیر نیرو باید با تدوین سیاست‌های مناسب انرژی برق و آب کشور را تأمین کند ولی اگر در آن شرکتی که مجری این سیاست‌هاست، رکن صلاحیت‌طر یا جمعیتی داشته باشد، لازم است بعضی‌ها صلاح شرکت را تعقیب کند. درحالی‌که اگر این تفکیک صورت می‌گرفت، هم عملکرد آن شرکت در ارتباط با سیاست‌ها به‌درستی نظارت می‌شد و هم از انتصاب‌های افراد بدون صلاحیت و وابسته جلوگیری می‌شد. از همه مهم‌تر این امکان به وجود می‌آمد که عملکرد این شرکت با عملکرد شرکت‌های مشابه خصوصی قیاس و ارزیابی شود.

سپهر تورمی برای مردم که ارزش دارایی‌شان کم نشود، بورس بوده است. اما خزلی به دست‌های بزرگ در بازار بورس اشاره می‌کند و معتقد است گرچه این روزها ورود عموم مردم به بورس زیاد شده؛ اما دانه‌درشت‌های بورسی کسان دیگری هستند که حتی حاضر به عرضه سهام خود نیستند و فقط سهام کف بازار را برای بزرگ‌شدن خودشان جمع می‌کنند. او توضیح داد: بزرگ‌ترین دارایی‌های بورس بعد از دولت دست بنیادها و بانک‌های خصوصی است. بیش از ۷۰ درصد سهام بازار بورس دست این طیف است. در این چند سال اینها عرضه چندانی نداشتند. دولت در قالب صندوق عرضه کرد و سهام عدالت آزاد شد؛ اما از آن طرف سیر نقدینگی زیاد شده و عرضه سهام خیلی کم بود. درواقع نسبت نقدینگی واردشده به بورس و حجم سهام‌های عرضه‌شده یک به ۱۰ است. دارنده‌های سهام هنوز هم همین طیف شبه‌دولتی و بانک‌های خصوصی هستند. اینها باید سهام عرضه کنند.

اینها تعداد زیادی شرکت غیربورسی دارند که پذیرش نکردند. از سوی دیگر سهام شاور آزاد شرکت‌های بورسی آنها هم چشمگیر است. می‌توانند بفروشند. تمام پروژه‌های بزرگی که دارند، نیاز به نقدینگی دارد و می‌توانند سرمایه افزایش دهند؛ بنابراین آنچه امروز ما شاهد هستیم، این است که ارزش سهام در بورس بالا رفته و حجم نقدینگی واردشده زیاد بوده؛ وگرنه افزایش شاخص بورس از محل افزایش حجم عرضه‌ها شکل نگرفته است. بورس ما باید بزرگ شود، اما از محل تعداد شرکت‌ها و سهام موجود، نه از محل افزایش سریع ارزش‌ها. ارزش سهام در یک سال سه برابر شده، درحالی‌که فقط قیمت‌ها بالا رفته است. او ادامه داد: به‌طور میانگین، روزانه رقمی در حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش این دو بازار بورس و فرابورس است؛ بنابراین رقمی در حدود ۵۰ درصد نقدینگی کشور به واسطه ارزش دو بورس است. هنوز شرکت‌های بسیار زیادی بیرون بورس هستند؛ دولتی، بخش عمومی، وابسته به تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، وابسته به آستان‌های مقدس، وابسته به بانک‌ها و هنوز دولت شرکت‌های متعددی دارد که آنها را به بخش خصوصی واگذار نکرده است. دولت می‌تواند این شرکت‌ها را به بورس اضافه کند تا مردم بتوانند سرمایه‌گذاری کنند. شرکت‌ها اغلب شرکت‌های خیلی خوبی هستند. شرکت‌های بخش خصوصی خوبی داریم که هنوز به بورس نیامده‌اند؛ بنابراین بازار سرمایه ما هنوز خیلی جای رشد دارد. مطالبی که گفته شد، از لحاظ ارزش بازار بود. از لحاظ تأمین مالی در پایان سال ۹۷، هفت درصد تأمین مالی اقتصادی ایران از سوی بازار سرمایه و ۹۳ درصد از طریق بانک‌ها انجام شده است. این نسبت نیز به‌شدت قابل رشد است؛ یعنی بازار سرمایه می‌تواند تا ۵۰، ۴۰ درصد تأمین مالی اقتصاد ایران را انجام دهد که عدد خیلی بزرگی خواهد شد. حسین خزلی، فعال بازار سرمایه، از ورودی‌های جدید بورس می‌خواهد که در ۵۰ سهام بزرگ‌تر و برتر بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری کنند تا اگر بازار بورس به‌رشدیل منفی شد، سهام آنها کمتر منفی شده و از آنجاکه سهام این شرکت‌ها پتانسیل تولید، فروش و صادرات خوبی دارند؛ بنابراین در بازه زمانی پسی از منفی‌شدن بورس می‌توانند خودشان را بازسازی کنند و به قیمت قبلی بازگردند.

یادداشت

الزام به تحول دیجیتال در مدیریت



✦ **مهندس مجید منفردی**

تحول دیجیتال از اصطلاحاتی است که با طرح دوباره مسئله وضعیت توسعه دولت الکترونیک در کشور، زیاد شنیده می‌شود. اما به‌راستی زمان تغییر الگوی مدیریت با تحول دیجیتال است؟ آیا راهکار غلبه بر وضع نامطلوب، استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش کیفیت خدمات است؟ آیا برای کاهش و ازین‌بردن فساد و رانت باید از تحول دیجیتال استفاده کرد؟ آیا در پساکرونا نوع خدمات‌رسانی‌ها باید تغییر کند؟

برای افزایش بهره‌وری در ایران چه باید کرد؟ چگونه می‌توان امضاهای طلایی را حذف کرد؟ برای افزایش سرعت و دقت خدمات چه باید کرد؟ از سال ۲۰۰۵ میلادی و با انتشار گزارش بانک جهانی درباره رتبه‌بندی کشورها در شاخص‌های سهولت کسب‌وکار و موضوع بازنگری در روبه‌ها و مقررات و توسعه دولت الکترونیک، تحول دیجیتال وارد ادبیات مدیریت شده شد. تحول دیجیتال راهکار اصلی و اساسی در بهینه‌سازی و ارتگذاری و کارآمدی مدیریت است. بسیاری از کشورهای دنیا با اجرای استانداردهای ارائه‌شده و بهبود وضعیت شاخص‌های سهولت کسب‌وکار جهش‌های فوق‌العاده‌ای را در مدیریت و اقتصاد کشور خود تجربه کردند.

به‌عنوان مثال کشور گرجستان در سال ۲۰۰۶ از فاسدترین کشورها در اقتصاد و مدیریت بود و با دولت الکترونیک و تحول دیجیتال درحال حاضر در مقام هفتم در سهولت کسب‌وکار جهان است و سالم‌ترین کشورهای جهان در اقتصاد و مدیریت است. درحال‌حاضر همه خدمات دولتی و غیردولتی در این کشور به‌صورت الکترونیکی ارائه می‌شود تا هیچ‌گونه رانت و شخصی‌سازی و فرصت‌سازی برای افراد مهیا نباشد. سرعت و کیفیت خدمات‌رسانی باعث ایجاد رضایت‌مندی می‌شود.

در گزارش سال ۲۰۲۰ بانک جهانی، رتبه ۱۹۰ کشور در شاخص سهولت کسب‌وکار را بررسی کرده است و از جمله امارات متحده عربی ۱۶، روسیه ۲۸، ترکیه ۳۳، هند ۶۳ و ایران ۱۲۷. مأموریت تحول دیجیتال در مدیریت عبارت است از: استفاده از فناوری‌های نوین برای ایجاد تغییرات شگرف در خدمات‌رسانی مناسب و شایسته.

در مدیریت با تحول دیجیتال:

۱- بازنگری در مقررات و ساختار زنجیره ارائه خدمات است.

صرف راه‌اندازی یک یا چند سامانه که تحول دیجیتال نیست؛ بلکه باید همه فرایندها ساده‌سازی و بدون مراجعه حضوری انجام شود و از ابتدا تا انتهای هر فعالیتی باید سامانه‌محور و بدون حضور متقاضی باشد. ۲- اگر سازمان یا نهاد یا شرکتی، اطلاعاتی را قبل از مراجعه‌کننده یا متقاضی گرفته باشد، دیگر حق دریافت آن را ندارد.

این موضوع برای همه ما خاطره پرکردن هزاراباره فرم‌های کاغذی تکراری و ضمیمه‌کردن کپی‌های متعدد از شناسنامه و مدارک تحصیلی و کارت ملی و... را نداعی می‌کند.

در دولت الکترونیک نیاززی به این موارد نیست. ۳-مراجعات حضوری و کارشناسی موضوعات که از عوامل اصلی ایجاد رانت و فساد هستند، حذف خواهند شد و سرعت و دقت و کیفیت با سامانه جایگزین می‌شود. این مراجعات حضوری به امضاهای طلایی منجر می‌شوند که در کشور ما از عوامل اصلی ایجاد فساد دستگاه‌ها و سازمان‌ها هستند.

✦ **معاون توسعه مدیریت ویرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی**

خبر

حضور پُرنگ بازنشته‌ها در برخی دستگاه‌های اجرائی

● به گزارش تسنیم، یک سال و هشت ماه از اجرای رسمی قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان می‌گذرد و با وجود اینکه تعدادی از بازنشستگان دولتی، هم‌زمان با تصویب قانون، از سمت خود کناره‌گیری کرده‌اند یا در برخی از سازمان‌ها به بازنشستگی اجباری رفته‌اند، در بخش‌هایی از دستگاه‌هایی اجرائی، این اتفاق نیفتاده است. این در حالی است که بر اساس ماده پنجم قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون منع به‌کارگیری بازنشسته‌ها شامل تمام وزارخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و سازمانی که دستگاه اجرائی نامیده می‌شود. در میان اسامی فوق، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایرو) نامی است که قرار شده به‌عنوان اهرم گمکی توسعه صنعت کشور در عرصه‌های نفت و انرژی و حمل‌ونقلی نظیر صنعت ریلی و همچنین ثبت بازار خودرو عمل کند؛ اما برخی از پست‌های حساس مدیریتی در این سازمان، به افراد بازنشته یا جوانان کم‌تجربه اعطا شده است.